



اهمیت توسعه و ترویج فعالیت‌های فرهنگی هنری در تقویت هویت ملی مجید رفیعیان اصفهانی

دکترای مدیریت - گرایش کسب و کار (Dr.BA)، دانشگاه علم و فرهنگ

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

چکیده

هویت ملی احساس تعلق خاطر فرد به یک ملت است. احساسی که بازتاب خود را در سنت‌ها، فرهنگ یا زبان یا سیاست نشان می‌دهد. جوامع انسانی روزبه‌روز تعلقات بیشتری نسبت به جهان پیرامون خود پیدا می‌کنند. هویت‌های ملی برابند مقاومت در مقابل فرهنگ‌های جهانی هستند چرا که قدرت و ظهور بیشتری در برابر جوامع دارند. حال باید ببینیم که وضعیت فرهنگی کشور ما، ایران، در این دوران چگونه خواهد بود و آیا قادر خواهیم بود که هویت فرهنگی و ملی خود را بر اساس نیازها و درخواست‌های خود شکل دهیم؟ در مقاله حاضر تلاش بر این است تا با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، متوجه شویم که آیا راهکارهای دقیق و منسجم و سیاست‌گذاری صحیح با ترویج فعالیت‌های فرهنگی هنری می‌تواند هویت ملی ایرانیان را در مقابل تهاجم فرهنگی در تعارض قرار نهد و چه عواملی می‌توانند باعث قوت و بالندگی فرهنگی ما شود. در این پژوهش این فرض نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد که بروز و ظهور رسانه‌ها از جمله مهمترین عوامل بسط و نهادینه سازی هویت بوده است.

واژگان اصلی: هویت، هویت ملی، تقویت فعالیت‌های فرهنگی هنری، رسانه‌ها

۱. مقدمه

هویت ملی، هویت یا احساس تعلق فرد به یک یا چند دولت یا یک یا چند ملت است که به معنای "یک ملت به عنوان یک کل منسجم است که توسط سنت‌ها، فرهنگ و زبان متمایز نشان داده می‌شود" (ریچارد آشمور، ۲۰۰۱: ۷۴). هویت ملی ممکن است به احساس ذهنی یک فرد در مورد یک ملت، بدون توجه به وضعیت شهروندی قانونی‌اش، اشاره داشته باشد (گوئیبرنا، ۲۰۰۴: ۲). "هویت ملی در اصطلاح روان‌شناختی به عنوان «آگاهی از تفاوت»، احساس و شناخت «ما» و «آنها» تلقی می‌شود." (آنفو یان، ۲۰۱۸: ۲۶) هویت ملی همچنین شامل جمعیت عمومی و پراکندگی دولت‌ها و جوامع چند قومیتی^۷ است که دارای حس مشترک هویتی مشابه با یک ملت هستند درحالی‌که از چندین گروه قومی تشکیل شده‌اند. قومیت‌های خط فاصله نمونه‌ای از تلاقی هویت‌های قومی و ملی متعدد در یک شخص یا موجودیت واحد هستند (کلان، ۱۹۹۷: ۱۷۳). در این میان آنچه که در قرون اخیر و با پیدایش ملت‌های امروزی منتج از پیمان وستفالی^۸ (۱۶۴۸)، از اهمیت بسزایی برخوردار گشت، هویت در سطح ملی است که بالاترین سطح هویتی در درون مرزهای یک کشور به شمار می‌آید. هویت ملی بالاترین سطح هویت جمعی است که در صورت تقویت، انسجام اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. علت این امر را نیز می‌توان پیدایش دولت‌های مدرنی دانست که برای تحقق حاکمیت واقعی بر محیط سرزمینی خود ناچار شدند با حذف روابط سنتی مردم و سایر نهادها با حکومت و از طریق مفهوم شهروندی، حاکمیت خود را از لحاظ زمانی و مکانی تداوم بخشند. این امر به خودی‌خود باعث گردید ملت‌سازی یا ایجاد هویت ملی در زمره اختیارات و مسئولیت‌های دولت مدرن قرار گیرد که برای مردم و حکومت‌ها آثار و تبعات گوناگونی داشت. با آغاز دولت مدرن ایده یک دولت و یک فرهنگ و لذا یک ملت، اصلی اساسی در دولت‌سازی شد. با گسترش دولت در قرن نوزدهم دولت‌سازان^۹ کوشیدند حس مشترکی از هویت ملی که وفاداری اجتماعات پراکنده را به دولت و نهادهای آن تضمین می‌کرد، ایجاد کنند (دیلمقانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸؛ حاجیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). مقاله حاضر با روش تحلیلی توصیفی و بهره‌گیری از رویکردهای تاریخی و اجتماعی با استفاده از منابع موجود به بررسی اهمیت توسعه و ترویج فعالیت‌های فرهنگی هنری در تقویت هویت ملی می‌پردازد.

۲. چهارچوب‌های مفهومی و نظری

دیدگاه اصلی مقاله این است که باتوجه‌به این که هویت‌های جهانی و فراملی در حال گسترش هستند و جوامع روزبه‌روز تعلقات و ادراکات جهانی‌تری پیدا می‌کنند، هویت‌های ملی که برابری فرهنگ‌های جهانی هستند نیز روزبه‌روز ظهور و قدرت بیشتری پیدا می‌کنند.

۱.۲. هویت^{۱۰}

^۷ diaspora of multi-ethnic states and societies

(Peace of Westphalia)^۸ پیمان‌نامه‌ای است که پس از پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی در اروپا (۱۶۱۸-۱۶۴۸) در شهر سالن شهرداری شهر مونستر میان کشورهای اروپایی در ۱۶۴۸ بسته شد. در این پیمان همه کشورهای اروپایی جز بریتانیا و لهستان شرکت داشتند. وستفالی نخستین پیمان صلح چندجانبه پس از نوزایش در اروپا است.

^۹ Government builders

^{۱۰} Identity



ریشه لغوی واژه هویت از "هو" گرفته شده است که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود (معین، ۱۳۷۷: ۶۹)

هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، گفته می‌شود (نجفی، ۱۳۹۲: ۲۶). هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دخالت کند و آنها را در یک ظرف مکانی و زمانی معین به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد (نیازی، ۲۰۱۰: ۵). احمد اشرف در رابطه با تعریف این واژه این‌طور می‌نویسد:

"هویت به معنی هستی و وجود است؛ چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد؛ یعنی مجموعه خصایل فردی و خصوصیات رفتاری که از روی آن فرد به‌عنوان یک گروه اجتماعی شناخته شود و از دیگران متمایز گردد. هویت ملی و قومی از انواع هویت جمعی است و به معنای احساس همبستگی بزرگ ملی و قومی، آگاهی از آن، احساس وفاداری به آن و فداکاری در راه آن است. هویت ملی و قومی مانند هویت فردی جمعی در کشاکش تصور ما از دیگران شکل می‌گیرد، بنابراین خودآگاهی از "هستی ما" با آگاهی از "هستی دیگران" همراه است. "ما" و "بیگانگان" دوروی یک سکه‌اند و یکی بدون دیگری بی‌معنا است." (اشرف، ۱۳۹۵: ۹۵)

۲.۲. هویت ملی در ایران

هویت ایرانی به علت موقعیت خاص جغرافیایی از سه حوزه تمدنی ایرانی، اسلامی، و غربی تأثیر پذیرفته است (کچوتیان، ۱۳۸۶: ۱۸۵؛ کامیل احمدی، ۱۳۹۵: ۶۹). مفهوم تاریخی ایران و انتساب به آن در نهضت‌های قومی، سیاسی، و دینی دوران ساسانیان شکل گرفت و در دوران اسلامی، با فراز و نشیب‌هایی پایدار ماند و در عصر ایلخانی و صفوی، تولدی دیگر یافت و در عصر جدید، به‌صورت هویت ملی ایران متجلی شد (اشرف، ۱۳۷۸، ج ۲: ۵۲۲). از نظر ریچارد فرای ایران‌شناس آمریکایی، تشکیل کشور ایران به شکل سیاسی مربوط به سده سوم میلادی، یعنی عهد ساسانیان، است و از نظر سیاسی، این اعتقاد که همه مردمی که در این سرزمین زندگی می‌کنند رعایای «پادشاه» هستند اعتقادی است که همواره در تاریخ ایران، اساس هویت سیاسی ایرانیان بوده است. وفاداری ایرانیان در زمان هخامنشیان معطوف به شاه یا سلسله پادشاهی بوده است، نه به کشور. اما این اصل، در زمان ساسانیان، مورد چالش مذهب قرار گرفت و وفاداری مردم که تا آن زمان معطوف به پادشاه بود، جایش را به مذهب داد که با تسلط اسلام این تحول، تشدید و تثبیت شد (فرای، ۱۳۷۳: ۴۳۵؛ کامیل احمدی، ۱۴۰۰: ۷۱)

در دوران معاصر، موج تجددخواهی از اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و برخورد با تمدن جدید پا گرفته در اروپا و رشد یافته در قاره آمریکا، رواج یافت. این پدیده ابتدا در طبقه خواص یا نخبگان جامعه و سپس در میان عموم مردم رشد کرد و به انقلاب مشروطه انجامید. به این ترتیب، تجددخواهی یا میل به پیشرفت به‌عنوان عنصر تازه‌ای در هویت و فرهنگ ایران به ظهور پیوست (کامیل احمدی، ۱۴۰۰: ۷۵) اندیشمندانی که به بحث درباره هویت ایرانی پرداخته‌اند هر یک به‌گونه‌ای بر عناصر ذکر شده اشاره می‌کنند. شاهرخ مسکوب تاریخ و زبان را برای ایرانیان مقوم شخصیت می‌داند (مسکوب، ۱۳۹۸: ۱۲۰). عبدالکریم سروش باور دارد هویت ایرانی متشکل از سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی است (سروش، ۱۳۶۹: ۵) فرهنگ رجائی، ضمن بیان اندیشه نویسندگان فوق، خود، به ایران و اسلام و تجدد، عنصر سنت را نیز اضافه می‌نماید (رجائی، ۱۳۸۲: ۴۷۷۱). نیکی کدی نیز سه عنصر جغرافیای فلات ایران، زبان فارسی، و مذهب شیعه را از عناصر اصلی هویت ایرانی می‌داند (کدی، ۱۳۸۱: ۱۰۲۲) بحث درباره هویت ایرانی از مشروطیت آغاز شد که در آن دوران، به باستان‌گرایی توجه مفرط گردید. به‌علاوه، هویت فرهنگی ایرانیان دارای مؤلفه‌ها و بخش‌های گوناگونی است که با هویت ملی، هویت دینی، هویت قومی، و... ارتباط می‌یابد. همچنین اولین عنصر بنیادین هویت ملی

ایرانی، تاریخ است که دارای دو بخش اسطوره‌ای و تاریخی عینی است. به علاوه، می‌توان به زبان، آداب و رسوم، و... نیز در زمینه هویت ایرانی اشاره کرد (حمید احمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۹)

در دهه اخیر هویت به یکی از کلید واژه‌های تحقیقات و پژوهش‌های نظری و کاربردی در جامعه علمی ایران تبدیل شده است که علت این امر را می‌توان در تسریع روند جهانی‌شدن و تبعات ناشی از آن جمله بحث‌های تهاجم فرهنگی، بحران هویت، هویت‌های قومی و مذهبی و... دانست که بر هویت ملی به تبع آن وحدت ملی و سرزمینی ایران تأثیرگذار بوده است. براین اساس در این بخش بررسی دو نکته ذیل ضروری است؛ نکته اول، بررسی منشأ و نحوه شکل‌گیری و فرایند تکوین هویت ملی ایرانی باهدف، تبیین و تشریح عوامل، زمینه‌ها، شرایط و مناسباتی است که بر شکل‌گیری هویت ملی در ایران در طول تاریخ از باستان تا دوران معاصر به‌ویژه دوره پهلوی اول و دوم تأثیرگذار بوده‌اند. دومین مسئله آن است که وقتی از ملیت، ملی یا هویت ملی در ایران (به‌عنوان یک پایه هویت جمعی ایرانیان) سخن می‌گوییم منظور چیست و چه عناصر و ابعاد و مؤلفه‌هایی را شامل می‌شود (کبیری، ۱۳۸۹: ۱۶۷)

۳.۲. فرهنگ

اصطلاح فرهنگ در فرهنگ‌نامه‌های مختلف به معنی ادب، عقل، دانش، بزرگی، حکمت، هنر، علم و معرفت آمده است. فرهنگ را در جایگاه علم به معنای نشانه و نمود معنوی رشد و پیشرفت یک جامعه به کار می‌برند. از این نظر فرهنگ خصوصیتی است که یک جامعه در زمان گام برداشتن در مسیر اعتلا کسب می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۲۰). ادوارد بارنت تایلور (۱۹۱۷-۱۸۳۲) فرهنگ را، مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هر چه که فرد به‌عنوان عضوی از جامعه خویش فرامی‌گیرد تعریف می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۰۸). در بعضی از فرهنگ‌ها، ریشه فرهنگ را از کشت‌وزرع، زمین و پرورش دانسته‌اند؛ یعنی عمل‌آوری و رشد در این مفهوم نهفته است؛ لذا گاهی فرهنگ به معنی رشد و تربیت افراد و جامعه انسانی به کار می‌رود، اما به‌مرور معنای این مفهوم متحول شده است و در مورد هرآنچه به‌صورت اجتماعی کسب می‌شود به کار می‌رود و عبارت است از مجموعه دانش، باور، هنر، دین، اخلاق، حقوق و آداب و رسوم و هر استعدادی که انسان به‌مثابه عضوی از جامعه معین کسب می‌کند (خزائی، ۱۳۸۷: ۷۴)

۳. نقش و جایگاه رسانه‌های فرهنگی

امروزه وسایل ارتباط جمعی در تمامی کشورها نقش حساس و مهمی را در زمینه‌های مختلف از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند. اهمیت رسانه‌های گروهی تا حدی است که دانشمندان در تقسیم‌بندی مراحل تاریخی تمدن بشر، آن را لحاظ کرده‌اند. آلوین تافلر تمدن بشری را به سه مرحله تقسیم می‌کند که شامل مرحله کشاورزی، مرحله صنعتی و مرحله فراصنعتی یا عصر ارتباطات و اطلاعات است. در عصر فراصنعتی، قدرت در دست کسانی است که شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی را در اختیار خود دارند (تافلر، ۱۳۷۷: ۵۷).

در مباحث نظری به‌خصوص در جامعه‌شناسی، ارتباطات و رسانه‌ها، نقش و ماهیت تأثیرگذاری مجموعه رسانه‌ها (از مطبوعات تا رادیو و تلویزیون) را مورد بحث قرار می‌دهد و این‌طور بیان می‌کند که ارتباط اساسی‌ترین فرایند اجتماعی شدن است و نقش اساسی در هویت ملی ایجاد می‌کنند (قرلسفلی، ۱۳۸۸: ۳۳۰).



۴. تأثیرات جهانی شدن^{۱۱} بر هویت و فرهنگ

الف — تأثیر جهانی شدن بر هویت:

فرایند جهانی شدن، از یک سو، ثبات و همگونی و یکپارچگی را بر هم زده و جامعه را به فضایی نفوذپذیر و پاره‌پاره تبدیل کرده و از سوی دیگر، دربرگیرنده ارتباط، نزدیکی، وابستگی متقابل میان انسان‌ها، گروه‌ها و جوامع مختلف و افزایش آگاهی جهانی انسان‌ها و زمینه فراگیرتر شدن فرهنگ‌ها و هویت‌هاست و باتوجه‌به اینکه هویت‌ها اساساً ساخته می‌شوند، اما در هر دوره‌ای شیوه خاصی برای ساختن هویت رایج می‌شود، با درهم شدن و فشرده و یگانه شدن جهان، مبانی ساخته‌شدن هویت وجوه مشترکی می‌یابد و در عرصه جهانی، هویت‌های مشابهی شکل می‌گیرد. از طرف دیگر، ظهور مدرنیسم در کنار پست‌مدرنیسم، مکتب‌های غیر سکولار در کنار سکولاریسم، و هویت‌های سنت‌گرا در کنار هویت‌های مدرن سبب می‌شود فرد، در عین اینکه از هویت ملی‌گرا برخوردار باشد در تعامل با جهان، نگاه عدالت‌خواهانه هم داشته باشد؛ بنابراین در عرصه جهانی شدن با یک هویت فردی و اجتماعی مواجه نیستیم، بلکه یک فرد، مکان استقرار چندین هویت شده است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۴)

اساساً باید میان تأثیر جهانی شدن و جهانی‌سازی بر هویت تفاوت بگذاریم. جهانی‌شدن امری طبیعی، تدریجی و تکاملی است. بر اثر آن هویت‌ها، حداقل هویت نخبگان فکری، فرهنگی و سیاسی، از محدودیت خارج می‌شود و به‌سوی وسیع و بشری شدن سیر می‌کند. اما جهانی‌سازی، از آنجا که امری دفاعی و تحمیلی است که قدرت‌هایی، متکبران، از طریق آن فرهنگ، سیاست و... خود را بر دیگران تحمیل می‌نمایند، هویت فردی را مستحیل، ملی را مخدوش، و مذهبی را وارونه می‌کند؛ بنابراین جهانی‌سازی سبب بحران هویت و ازخودبیگانگی می‌شود (قدیانی، ۱۳۸۱: ۴۵۲)

فرهنگ نیز، به‌عنوان رکن اساسی هویت، در کشورهای جهان سوم هرچه بیشتر توان هویت‌سازی خود را از دست می‌دهد. هرچند این کشورها از نظر فرهنگ بومی غنی هستند، فرهنگی که از طریق وسایل ارتباطی در اختیار آنها قرار می‌گیرد فرهنگ کشورهای است که امکانات و وسایل ارتباطی را در اختیار دارند و فرهنگ‌های بومی این کشورها شدیداً تحت‌تأثیر فرهنگ‌های جوامع توسعه‌یافته است؛ بنابراین بحران هویت و ازخودبیگانگی در کشورهای جهان سوم شدیدتر و عمیق‌تر است.

ب — تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ:

جهانی‌شدن فرهنگ، مرحله‌ای است که گفته می‌شود حالت نهایی جهانی‌شدن اقتصاد است، و بعد سیاسی، فرهنگی، مذهبی و ایدئولوژیکی پدیده‌ای است که اغلب از زاویه اقتصادی، جغرافیایی و سیاسی به آن می‌نگرند (لوکلر، ۱۳۸۴: ۳۱۷). یکی از چالش‌برانگیزترین جنبه‌های جهانی‌شدن جنبه‌های فرهنگی جوامع هست. برخی دیگر، یکی شدن فرهنگ ملت‌ها را حاصل پیشرفت‌های عظیم در فناوری ارتباطات و تبادل اطلاعات و نفوذ و گسترش شبکه‌های رایانه‌ای و ماهواره‌ای هستند را یکی از جنبه‌های مثبت پدیده جهانی‌شدن تلقی می‌کنند.

جهانی‌شدن فرهنگی عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی. این فرایند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و همه خاص‌های فرهنگی را به چالش می‌طلبد. یک برداشت رایج و آشنا از جهانی‌شدن فرهنگ غربی همان امپریالیسم فرهنگ‌هاست. از این دیدگاه، جهانی‌شدن عبارت است از اراده معطوف به همگون‌سازی فرهنگی جهان. (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۱۰۱) در این میان آنتونی گیدنز اعتقاد دارد که معنای جهانی‌شدن این نیست که جامعه جهانی در حال "یکپارچه

^{۱۱} Globalization

شدن" است. برعکس این پدیده در برخی ابعاد با تفرق و شقه شقه شدن روبروست تا اتحاد و یکپارچگی. به عبارت دیگر، فرایند جهانی شدن فرایند همگن ساز نیست بلکه فرایندی تفکیک ساز است و همه چیز را به هم به صورت یکدست توسعه نمی دهد و پیامدهایش به هیچ وجه خطرناک نیستند و از آنها هم گریزی نیست. (احمدی، حمید، ۱۳۸۶: ۱۴)

۵. نتیجه گیری

با توجه به پژوهش صورت گرفته، هویت ملی با فرایند جامعه پذیری شکل می گیرد و انسان از این طریق مهارت هایی را به دست می آورد که برای کنش مستقل در جامعه ضروری هستند. افراد و ارزش ها، رسوم، گروه ها و نهادها پیش شرط هویت سازی انسان هستند. فعالیت های فرهنگی و هنری در قالب رسانه ها سبب جهت گیری هویت انسان در زندگی می شوند و به زندگی معنای ژرفی می دهند. از طرف دیگر، تأثیر جهانی شدن بر تقویت و تضعیف هویت ملی بسیار زیاد است. جهانی شدن به مفهوم روند اندیشه و آگاهی با بهره گیری از ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات، مرزهای سیاسی و فرهنگی جوامع را فراتر از موقعیت جغرافیایی آنان طی کرده و آنها را نسبت به قبل در شرایطی قرار می دهد که می تواند هویت آنها متحول سازد. از آن جا که هویت ملی با فرهنگ و تمدن و دین و سیاست و زبان در ارتباط نزدیک است و هر چه در جامعه قابلیت ظهور و رشد دارد از فرهنگ سرچشمه می گیرد، در این راستا رسانه ها (از مطبوعات گرفته تا رادیو و تلویزیون) نقش آموزشی خود را در این زمینه حفظ می کنند و می توانند معیارها و ضابطه های اجتماعی و سیاسی را تقویت کرده و افق دید انسان را گسترده سازند. پس می توان گفت که فعالیت های فرهنگی و هنری در قالب رسانه بهترین عاملان حرکت های اصلاحی و تحکیم کننده هویت ملی جوامع خواهند بود.

فهرست منابع

- _ احمدی، حمید (۱۳۸۶)، مدخلی بر واکاوی پدیده قوم گرایی در سپر جهانی شدن، مجله سیاست داخلی، سال اول، شماره ۳.
- _ احمدی، حمید (۱۳۸۳)، ایران هویت، ملیت، قومیت، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ اول.
- _ احمدی، کامیل (۱۴۰۰)، از مرز تا مرز (پژوهشی جامع در باب هویت و قومیت در ایران)، لندن، انتشارات مهری. چاپ اول.
- _ احمدی، کامیل (۱۳۸۹)، بررسی صلح مدار چالش هویت قومی در ایران، (مطالعه ای به شیوه GT در بین پنج گروه قومی ایران)، نشریه علمی مطالعات پژوهشی در علوم انسانی و علوم اجتماعی، شماره ۶۳، صص ۶۵-۹۳
- اشرف، احمد (۱۳۸۷)، هویت ایرانی در بین ایرانیان خارج از کشور، تهران، بولتن فرهنگی معاونت امور بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد دوم سنت و تجدد.
- اشرف، احمد (۱۳۸۹)، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، به همراه دو مقاله از: گراردو نیولی و شاپور شهبازی، ترجمه حمید احمدی، تهران، نشر نی، چاپ هشتم.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷)، نسبت هویت ملی و هویت قومی در میان اقوام ایرانی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، پائیز و زمستان
- حافظ نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۵)، تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه های تهران)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، پائیز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۱-۲۱
- خزایی، حسین (۱۳۸۹)، هویت و فرهنگ در عرصه فرهنگی ایران، نشریه جامع علوم انسانی، تاریخ فرهنگ و تمدن، (مجموعه مقالات)، انتشارات دانشگاه تهران.
- دیلمقانی، فرشید؛ قاسمی ترکی، محمدعلی (۱۳۹۷)، جایگاه هویت ملی در ایران نگاهی به تطور تاریخی،



- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲)، مشکل هویت ایرانیان امروز، تهران، نشر نی.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۶۹)، «سه فرهنگ» آینه اندیشه، شماره سه و چهار. بهمن و اسفند.
- فرای، ریچارد (۱۳۷۳)، هویت ایرانی در دوران باستان. ایران‌نامه، شماره ۴۷
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران، انتشارات نشر نی
- قدیانی، عباس (۱۳۸۱)، تاثیر فرهنگ و تمدن در ایران، تهران، انتشارات فرهنگ مکتوب، چاپ اول.
- قزلسلی، محمدتقی (۱۳۸۸)، رسانه و ساخت هویت ملی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، پائیز ۱۳۸۸، صص ۳۳۱-۳۳۸
- کبیری، افشار (۱۳۸۹)، بررسی تحولات تاریخی هویت ملی در ایران، پژوهش‌نامه هویت.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۷)، تطورات گفتمان‌های هویتی ایران: ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد، تهران، نشر نی.
- کدی، نیکی (۱۳۸۱)، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، تهران، انتشارات ققنوس.
- کرشمه نیازی (۲۰۱۰)، هویت و بحران هویت در دوره ای نوجوانی، مرکز افغانستان، دانشگاه کابل.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶)، هویت ملی و جهانی‌شدن، تهران: نشر نی
- لوکلر، ژرار (۱۳۸۴)، جهانی‌شدن فرهنگی آزمونی برای تمدن‌ها، ترجمه سعید کامران، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- مسکوب، داریوش (۱۳۷۹)، هویت ایرانی و زبان فارسی، تهران، انتشارات فرزانه، چاپ اول
- معین، محمد (۱۳۷۷)، فرهنگ فارسی معین (چهار جلدی)، تهران، انتشارات بهزاد
- مهدی امیری (۱۳۹۰)، ابعاد و پیامدهای جهانی‌شدن، کیهان فرهنگی، ش. ۱۷۳۰
- مؤمنی، علیرضا (۱۳۹۲)، وظایف و نقش فرهنگی نهادهای رسانه‌ای در ایران، وبلاگ سازمان و مراکز فرهنگی - رشته امور فرهنگی.
- نجفی، موسی (۱۳۹۲)، هویت‌شناسی، تهران، انتشارات آرما.
- * Anfu Yan October ۲۰۱۸ Journal of Psychological Research ۱(۱) DOI: ۱۰.۳۰۵۶۴/jpr. ۷۱۱۱, ۲۰۰
- * Ashmore, Richard D.; Jussim, Lee; Wilder, David, eds. (۲۰۰۱). Social Identity, Intergroup Conflict, and Conflict Reduction. Oxford University Press. ISBN ۹۷۸۰۱۹۵۱۳۷۴۳۹.
- * Guibernau, Montserrat (۲۰۰۴). "Anthony D. Smith on Nations and National Identity: a critical assessment". Nations and Nationalism. ۱۰ (۱-۲): ۱۲۵-۱۴۱. doi: ۱۰.۱۱۱۱/j.۱۳۵۴-۵۰۷۸.۲۰۰۴. ۰۰۱۵۹.x
- * Kelman, Herbert (۱۹۹۷). Nationalism, Patriotism and National Identity: Social-Psychological Dimensions. Chicago: Nelson-Hall Publishers



The importance of developing and promoting artistic cultural activities in strengthening national identity

Abstract

National identity is the feeling of belonging to a nation. A feeling that shows its reflection in traditions, culture or language or politics. Human societies are becoming more and more attached to the world around them. National identities are for resistance against global cultures because they have more power and prominence in front of societies. Now we have to see how the cultural situation of our country, Iran, will be in this era and will we be able to form our cultural and national identity based on our needs and requests? In this article, an attempt is made to find out, by using analytical-descriptive method, whether accurate and consistent solutions and correct policies by promoting cultural and artistic activities can not put the national identity of Iranians in conflict with cultural invasion and what factors can cause Our cultural strength and growth. In this research, the assumption that the emergence of the media was one of the most important factors in the expansion and institutionalization of identity is also investigated.

Main words: identity, national identity, strengthening cultural and artistic activities, media

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی